

گفت‌وگوی صبا با محمد بقایی‌ماکان، مولف، مترجم و پژوهشگر پیشکسوت

# نادیده گرفتن هویت ملی از اصل دور مان می‌کند

محمد بقایی‌ماکان یکی از نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی است که تا امروز آثار متعددی را به رشته تحریر آورده است. بقایی بیش از ۳۵ جلد کتاب در حوزه تالیف و ترجمه در کارنامه خود دارد که بخشی از این آثار به شناخت افکار و اندیشه‌های اقبال لاهوری اختصاص دارد. «معنای زندگی از نگاه مولوی و اقبال»، «در شبستان ابد»، «لعل روان»، «خیال وصال»، «از فردوسی تا شاملو»، «سفر به شرق»، «شرار زندگی»، «دمیان»، «بازی مهره شیشه‌ای» و... برخی از این آثار به شمار می‌روند. این پژوهشگر پر سابقه در ماه‌های اخیر نگارش مجموعه «چنان که هست» را به عهده داشته و در هر کدام از این مجلدها به گفته خود از زاویه نو، به بررسی اشعار و افکار شاعرانی چون حافظ، سعدی، مولوی، خیام و... داشته است. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی ما با او درباره تازه‌ترین آثارش است.

آزاده صالحی  
گفت و گو

اگر ممکن است در ابتدای گفت‌وگو درباره انگیزه‌تان از نگارش مجموعه «چندان که هست» توضیح دهید و این که اساساً چه خلأیی احساس کردید که به سمت نگارش چنین مجموعه‌ای رفتید؟

ما چند شاعر بزرگ، برجسته و بسیار مطرح در زبان فارسی داریم که از این‌ها بسیار یاد می‌شود، به طوری که در تمامی شهرها خیابانی به نام آنها هست. فردوسی، خیام، سعدی و حافظ از جمله شاعرانی هستند که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. علت هم این است که آثار این شاعران اندیشمند، همواره سرشار از فصاحت و بلاغت بوده است، اما جامعه ما و کسانی که به آثار این شاعران توجه دارند بیشتر مجذوب سخنان دلنشین آنها قرار می‌گیرند و به عمق مفاهیم آنچه از افکار این شخصیت‌ها پدید آمده است یا پی نمی‌برند یا کمتر توجه می‌کنند. مقصود من از نوشتن این آثار این بوده است که حقیقت ذهن این چهره‌های بزرگ را که تاکنون آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند را به خواننده ایرانی معرفی کنم. البته این کتاب‌ها قابل ترجمه هم هست و با آشنایی که مردم جهان؛ به ویژه اروپاییان نسبت به آثار این شاعران دارند می‌توانند به دیگر وجوه افکار آنها هم پی ببرند و فکر نکنند که به عنوان مثال، سعدی تنها یک سخن‌ساز بوده که کسی تاکنون به شیرینی او سخن نگفته است، یا حافظ شاعری است که فقط کلامی سحرانگیز داشته است. این مجموعه یک عنوان کلی دارد که «چنان که هست» نام دارد. شاید تفاوت این آثار با کارهایی که تا امروز در زمینه شاعران کهن انجام شده است در این باشد که تاکنون کسی نیامده خیام، حافظ، سعدی، مولوی و... را آن طور که بوده‌اند تصویر کند. در واقع من با نگارش هر کدام از این مجلدها فکر می‌کردم که باید عمیق‌تر درباره این شاعران صحبت کرد و به همین سبب این عنوان را برای این مجموعه انتخاب کردم.

از گذشته تا امروز، هر کدام از چهره‌های ادب فارسی به فراخور شرایط زمانی، دست‌مایه پدید آمدن آثاری در قالب‌های فرهنگی، هنری مانند ساخت فیلم، اجرای تئاتر، نگارش کتاب و... قرار گرفته‌اند، در واقع در این سال‌ها هر کدام از هنرمندان و نویسندگان به زعم خود تلاش کرده‌اند تا این شخصیت‌ها را به مخاطبان بشناسانند، اما به نظر می‌رسد همچنان به تبیین زوایای پیدای و پنهان زندگی و افکار این چهره‌ها به آن شکلی که باید پرداخته نشده است، نظر شما چیست؟

آنچه من پیش‌تر توضیح دادم در تایید صحبت شما نیز بوده است. معتقدم در این سال‌ها بیشتر به سطح کارهای این چهره‌ها توجه کرده‌ایم تا این که به عمق اندیشه آنها نظر داشته باشیم. امروز تقریباً در اغلب شهرها جلساتی تحت عنوان حافظ خوانی برگزار می‌شود که چنان که از نام این جلسات پیداست، به خوانش و توضیح درباره غزل‌های حافظ اختصاص دارد. اما در اغلب این جلسات، تنها به معنی لغوی اشعار حافظ پرداخت می‌شود، این که مثلاً واژه «مغان» چه معنایی دارد یا «دولت» در اشعار حافظ به چه معنی است. در حالی که هرگز اصطلاح «پیر مغان» مورد شرح

